فراتر از مرزهای یک جغرافیا !



پیام آیت‌ا‌ سید مجتبی خامنه‌ای به مناسبت دومین سالگرد شهادت سید حسن نصرا‌، بیش از آنکه صرفاً یادکردی از یک فرمانده شهید باشد، بازخوانی جایگاه شخصیتی است که در چند دهه گذشته، بخشی مهم از تحولات سیاسی و اجتماعی لبنان و جبهه مقاومت را نمایندگی کرد. در این پیام، نصرا‌ در پیوند با مفاهیمی چون خیرخواهی برای مردم، صداقت در سخن، شجاعت در عمل و توانایی ایجاد استواری در دل‌های مردم معرفی می‌شود؛ مجموعه‌ای از ویژگی‌ها که توضیح می‌دهد چرا نام او از مرزهای سازمانی و جغرافیایی حزب‌ا‌ فراتر رفت.

یکی از نکات قابل توجه در این پیام، تأکید بر نسبت میان شخصیت نصرا‌ و لبنان است. لبنان کشوری کوچک با ساختار اجتماعی و مذهبی متکثر است که در دهه‌های گذشته بارها تحت تأثیر منازعات منطقه‌ای و مداخلات قدرت‌های خارجی قرار گرفته است. در چنین زمینه‌ای، اینکه یک شخصیت سیاسی ـ مذهبی بتواند در سطح منطقه‌ای به نماد یک جریان تبدیل شود، صرفاً محصول موقعیت نظامی یا تشکیلاتی او نیست. بخشی از این اعتبار به توانایی او در سخن گفتن با جامعه و تبدیل یک گفتمان سیاسی به احساس تعلق و مسئولیت جمعی بازمی‌گردد.

در پیام آیت‌ا سید مجتبی خامنه‌ای نیز دقیقاً بر همین وجه تأکید شده است؛ آنجا که از «خطبه‌های صادقانه و با حلاوت» نصرا و تأثیر آن بر استواری دل‌های مردم سخن گفته می‌شود. این تعبیر، اهمیت ارتباط میان رهبری، جامعه و گفتمان مقاومت را برجسته می‌کند. مقاومت در این تلقی، تنها مجموعه‌ای از عملیات و ظرفیت‌های نظامی نیست؛ بلکه زمانی پایدار می‌شود که بتواند برای مخاطبان خود معنا، هویت و افق مشترک ایجاد کند.

از این منظر، یکی از مهم‌ترین میراث‌های سید حسن نصرا را باید در توانایی او برای پیوند دادن «مسئله لبنان» با یک مسئله گسترده‌تر در جهان اسلام جست‌وجو کرد. او در سخنرانی‌ها و مواضع خود تلاش می‌کرد میان دفاع از لبنان، مسئله فلسطین و ضرورت مقابله با اشغالگری و سلطه خارجی رابطه برقرار کند. همین امر موجب شد مسئله مقاومت در گفتمان او از یک موضوع صرفاً محلی فراتر رود و در چارچوبی منطقه‌ای و اسلامی معنا پیدا کند.

این ویژگی برای گفتمان تقریب میان مذاهب اسلامی نیز قابل توجه است. تقریب زمانی از سطح یک مفهوم نظری فراتر می‌رود که بتواند در مسائل واقعی جهان اسلام، زمینه همکاری و همگرایی میان مسلمانان را فراهم کند. مسئله فلسطین، مقابله با اشغالگری، دفاع از استقلال جوامع اسلامی و حفظ تمامیت سرزمینی کشورهای منطقه، از جمله موضوعاتی هستند که می‌توانند فارغ از اختلافات مذهبی، به نقاط اشتراک عملی تبدیل شوند. تجربه لبنان در چند دهه اخیر نشان داده است که «مسئله مشترک» می‌تواند در شکل‌گیری نوعی همگرایی اجتماعی و سیاسی نقش مهمی داشته باشد.

در همین چارچوب، اشاره پیام به جایگاه سید حسن نصرا در تاریخ شام نیز قابل تأمل است. این تعبیر را می‌توان نه صرفاً یک توصیف تاریخی، بلکه نشانه‌ای از تغییر مقیاس اثرگذاری او دانست؛ شخصیتی که فعالیت خود را از یک جغرافیای محدود آغاز کرد، اما به تدریج در معادلات منطقه‌ای و سپس در ادبیات مقاومت در جهان اسلام به چهره‌ای شناخته‌شده تبدیل شد. چنین جایگاهی البته صرفاً با قدرت سازمانی به دست نمی‌آید؛ سرمایه اجتماعی، اعتماد عمومی و استمرار مواضع در بزنگاه‌های دشوار، از عناصر مهم شکل‌گیری آن است.

از سوی دیگر، پیام آیت‌ا سید مجتبی خامنه‌ای میان «شخصیت» و «مسیر» تفکیک قائل نمی‌شود. یادکرد از نصرا در کنار سید هاشم صفی‌الدین و مجاهدان کنونی مقاومت، بر استمرار یک جریان پس از فقدان رهبران آن تأکید دارد. این مسئله از منظر مطالعات جنبش‌های اجتماعی نیز اهمیت دارد: پایداری یک جریان تنها زمانی امکان‌پذیر است که هویت و اهداف آن به یک فرد وابسته نماند و بتواند خود را در

قالب نهاد، گفتمان و نسل‌های بعدی بازتولید کند.

در اینجا شاید بتوان یکی از مهم‌ترین وجوه میراث نصرا را مشاهده کرد. شهادت یک رهبر، پایان یک گفتمان نیست؛ آنچه ماندگار می‌شود، مجموعه‌ای از مفاهیم، تجربه‌ها، الگوهای رهبری و خاطرات جمعی است که در جامعه باقی می‌ماند. به همین دلیل است که در پیام مورد اشاره، از او نه فقط به عنوان «شهید» بلکه به عنوان شخصیتی یاد می‌شود که همچنان می‌تواند برای رهجویان و نسل‌های آینده نقش مرجع و راهنما داشته باشد.

البته فهم جایگاه سید حسن نصرا نیازمند نگاه تاریخی و واقع‌گرایانه به لبنان و منطقه است. لبنان جامعه‌ای چندلایه و متکثر است و درباره حزب‌ا و نقش آن در سیاست داخلی لبنان و مناسبات منطقه‌ای، دیدگاه‌های متفاوت و گاه متعارضی وجود دارد. از این رو، تحلیل میراث نصرا نباید به حذف این پیچیدگی‌ها بینجامد. با این حال، حتی در چنین چارچوبی نیز نمی‌توان نقش او را در تحولات چند دهه اخیر لبنان و تبدیل این کشور به یکی از کانون‌های اصلی مناقشه درباره مقاومت، فلسطین و مناسبات قدرت در غرب آسیا نادیده گرفت.

پیام آیت‌ا سید مجتبی خامنه‌ای از این منظر واجد یک نکته مهم برای ادبیات وحدت اسلامی است: شخصیت‌هایی که به مسائل مشترک مسلمانان می‌پردازند، می‌توانند از مرزهای مذهبی و جغرافیایی عبور کنند و به بخشی از حافظه مشترک جهان اسلام تبدیل شوند. این امر البته به معنای حذف تفاوت‌های مذهبی یا سیاسی نیست؛ بلکه نشان می‌دهد در کنار اختلافات موجود، مسائل مشترکی نیز وجود دارد که می‌تواند مبنای همکاری و همگرایی قرار گیرد.

سید حسن نصرا در چنین روایتی، تنها متعلق به یک تشکیلات یا یک جغرافیا نیست. میراث او را می‌توان در تجربه لبنان، در مسئله فلسطین، در تاریخ مقاومت و در بحث گسترده‌تر درباره نسبت میان استقلال، هویت اسلامی و قدرت منطقه‌ای مطالعه کرد. از همین رو، سالگرد شهادت او فرصتی است برای بازخوانی یک شخصیت تاریخی و در عین حال تأمل در این پرسش که چگونه یک رهبر می‌تواند از سطح یک بازیگر سیاسی فراتر رود و به بخشی از حافظه جمعی یک منطقه تبدیل شود.

در نهایت، شاید مهم‌ترین بخش پیام آیت‌ا سید مجتبی خامنه‌ای همین توجه به «ماندگاری مسیر» باشد. افراد از صحنه تاریخ کنار می‌روند، اما اگر یک جریان توانسته باشد برای جامعه خود معنا، اعتماد و افق مشترک ایجاد کند، فقدان رهبرانش لزوماً به معنای پایان آن نیست. از این منظر، میراث سید حسن

نصرا را باید نه فقط در آنچه در دوران حیات خود انجام داد، بلکه در نوعی از هویت و حافظه‌ای جست‌وجو کرد که پس از شهادتش نیز در لبنان و در گفتمان مقاومت باقی مانده است؛ میراثی که فهم آن برای مطالعه تحولات معاصر جهان اسلام و مناسبات میان مقاومت، هویت و همگرایی اسلامی اهمیت دارد.